

نگاه‌خانه

شرط اول قدم

ترانه‌سلطانی

با زینب موحد، نقاش و مدرس هنر، درباره زیست هنرمندانه و اهمیت آن در زندگی حرفه‌ای هنرمند گفت‌وگو کرده‌ایم.

❚ از نظر شما زیست هنرمندانه به چه معناست و چگونه می‌توان آن را در زندگی روزمره تجربه کرد؟

به‌طور کلی سازوکار و ضرابانگ زندگی هنرمندان تا حدی متفاوت از زندگی مابقی مردم است. هنرمند برای خلق اثر نیازمند اتمسفر و حال‌وهوای خاصی است که برای هر هنرمندی متفاوت از دیگری است. ساعت خواب و بیداری، تعامل با آدم‌ها و در جمع بودن، عادت‌های روزانه و شخصی هنرمند و مراقبت از حال‌وهوای کارکردن و… چیزهایی است که هر هنرمندی با تنظیمات خاص خودش مقدار آنها را مشخص و در زندگی شخصی و کاری‌اش اعمال می‌کند.

در نهایت همه اینها ابزاری است که باید به متمرکزبودن هنرمند برای خلق هنر منجر شود. برای خود من داشتن تمرکز روی کار مهم‌ترین چیزی است که به آن نیازم‌م‌اند. گاهی از بین رفتن تمرکز می‌تواند منجر به اخته‌شدن روان و نابودی اثر یا دوره کاری خاصی از هنرمند شود.

من همیشه درباره تمرکز و مراقبت از احوال شخص خودم به‌عنوان نقاش یک مثال مشخص می‌زنم که وقتی ایده‌ای را برای مجموعه‌ای پیدا می‌کنم و وارد دوره جدیدی از کارم می‌شوم، شرایطم شبیه زن باردار است که ماه‌ها مراقب است تا فرزند سالمی به دنیا بیورد. وظیفه من هم مراقبت از حال‌وهوایی است که منجر به خلق آثار جدید من می‌شوند. خیلی چیزهایی که در زندگی روزمره آدم‌ها، عادی و حتی ضروری به نظر می‌رسد، ممکن است تمرکز هنرمند را به هم بریزد.

از طرفی یکی دیگر از مهم‌ترین ارکانی که زیست هنرمندانه را تعریف می‌کند، میزان دغدغه‌مندی هنرمند است. هنرمندِ حرفه‌ای در هر شرایطی شغلش همراه اوست.

یک نقاش حرفه‌ای نمی‌تواند انتخاب کند که من الان سر کارم، پس الان نقاشم و بعد از ساعات کاری‌ام دیگر نقاش نیستم. نه، دقیقا تفاوت هنرمندبودن اینجا تعریف می‌شود. مدام در حال‌وهوای کار بودن. برای خود من جز این نیست و حتی زمانی که ممکن است مدتی کار نکنم و اثری تولید نشود، ولی بیشتر از هر زمان دیگری به لحاظ فکری و روحی مشغول کار بوده باشم… این دغدغه‌مندی مداوم از مهم‌ترین شاخصه‌های «زیست هنرمندانه» است.

مجموعه این رفتارها و مراقبت‌های کوچک و بزرگ و عادت‌های مخصوص به خود هنرمند چیزی به اسم زیست هنرمندانه را شکل می‌دهد که ممکن است گاهی برای دیگری که از دور مشاهده‌گر هستند، عجیب به نظر برسد، ولی عملاً از نزدیک و برای اطرافیان هنرمند چیز عجیبی نیست و طی چند سال در زندگی هنرمند جامی افتد و با گذر زمان عمیق‌تر و منحصربه‌فردتر می‌شود.

❚ چه ارتباطی بین سبک زندگی یک هنرمند و کیفیت آثاری که خلق می‌کند، وجود دارد؟

همان‌طور که گفتم، هرچه سبک زندگی هنرمند به بیشتر متمرکزشدن او روی آثارش کمک کند، قطعاً کیفیت آثاری که خلق می‌کند، ژرف‌تر خواهد بود. هنر والا و ناب هرگز در بی‌تعهدی و بی‌دغدغدی هنرمند شکل نمی‌گیرد. بشخصه یک‌سری عادت‌های مشخص در زندگی شخصی و کاری خود تعریف کرده‌ام که خارج‌شدن از این عادت‌ها و اضافه‌کردن چیزی به آنها برایم بسیار سخت است. در طول هفته ساعت‌های مشخصی را باید نقاشی کنم و ساعت‌های محدود و مشخصی را تدریس. مابقی ارکان زندگی‌ام هم حول محور این ساعات برنامه‌ریزی می‌شود و از هر چیزی که ممکن است به کارم آسیبی وارد کند، دوری می‌کنم.

در کنار اینها، رفتارها و عادت‌های ریز و ریزم‌رهای که دارم، مجموعه‌ای را شکل می‌دهد که به ادامه نقاشی‌کردن من کمک می‌کند. مشخصاً خودم را مثال زدم که از تجربه زیسته‌ام به‌عنوان نقاش در سال‌های طی شده بگویم تا به نظر خودم تعریف صادقانه‌ای ارائه داده باشم.

❚ آیا داشتن یک زیست هنرمندانه مستلزم فاصله‌گرفتن از زندگی روزمره و عادی است یا می‌توان آن را در دل جامعه هم تجربه کرد؟

همان‌طور که در بالا توضیح دادم، زیست هنرمندانه مراقبت نیاز دارد. برای خود من گاهی حضور در جمع بی‌میهمانی‌رفتن می‌تواند برای روزها انرژی و تمرکز کاری‌ام را بگیرد. در نتیجه ترجیح می‌دهم ارتباطم را محدود کنم تا انرژی‌ام برکورد و ذهنم سبک‌بار شود.

ولی گاهی که طولانی‌مدت در خلوت بوده‌ام، ممکن است این قطع ارتباط باعث ملالی شود که ادامه کار را سخت کند. در نتیجه معاشرت با افراد و حتی برگشت به روزمرگی‌هایی شبیه به دیگران انرژی‌بخش و چه‌سا الهام‌بخش می‌شود. نمی‌توان یک نسخه مشخص برای این سؤال پیچید. در شرایط مختلف و برای هنرمندان مختلف تعاریف بسیار و متفاوتی وجود دارد. کلیشه‌ها تعریف نمی‌شوند و این از ویژگی‌های مهم این ساحت است.

❚ با توجه به چالش‌های اقتصادی و اجتماعی چگونه یک هنرمند می‌تواند بدون از دست دادن روح هنری خود، همچنان خلاق و فعال بماند؟

در راه هنر باید عاشق و پاکباز بود. اگر کسی غیر از این باشد، بدون شک بعد از یک دوره یا دورانی از عرصه هنر حذف خواهد شد. هنرمند عاشق تحت هر شرایطی خلاق و فعال خواهد ماند.

هنر، بی‌پولی، سختی‌ها و نشدن‌های بسیار دارد و هنرمند مدام در حال تجربه‌کردن رنج و سرمستی است. البته رنج و چالش بسیار و گاهی هم رضایت و لذت و سرمستی، همه کسانی که وارد این عرصه می‌شوند، مسلماً تاب و توان تحمل این شرایط را ندارند و برای همین است که اکثرشان بعد از مدتی هنر را رها می‌کنند.

تحمل این سختی‌ها ممکن است شعاع‌زده به نظر برسد، ولی در طول تاریخ بسیار هنرمندانی بوده‌اند که تحت هر شرایط اقتصادی و اجتماعی و پریچ‌وخمی تاب آوردند و ادامه دادند. چه‌بسا گاهی تکنگاهای زندگی هنرمند، چه در زمینه اجتماعی و چه در زندگی شخصی، می‌تواند به خلق‌ترشدن و شکوفایی او کمک کند که این امر مسلماً نیازمند هوشیاری و شیفتگی هنرمند است.

❚ در آخر چه توصیه‌ای برای افرادی دارید که می‌خواهند هنرمندانه زندگی کنند، حتی اگر حرفه آنها مستقیماً هنری نباشد؟

با توجه به توصیفاتیه که از زمینه زندگی هنر و هنرمند کردم، تنها توصیه‌ام به کسانی که می‌خواهند وارد این ساحت شوند، بینی از حافظ شیرازی است که می‌فرماند:

در ره منزل لیلی که خطرهاست
در آن / شرط اول قدم آن است که مخجون باشی.



کیوریتوری یک مترجم است، اما نه از زبانی به زبانی دیگر، بلکه از دنیسای هنر به دنیای مخاطب. او به آثار هنری تنها به‌عنوان تصاویری بر دیوار نگاه نمی‌کند، بلکه در آنها روحی زنده می‌بیند که باید آزاد شود. کیوریتور با ذهنی تیز و حساس، گالری را تبدیل به فضایی می‌کند که تماشاگر را درگیر پرسش‌ها و اندیشه عمیق کند.

او تنها نمایش‌دهنده است، بلکه معمار و کارگردانی باتجربه است؛ کسی که می‌سازد و هدایت می‌کند، اما همیشه در پس پرده می‌ماند. در ادامه با نگاهی به این حرفه نسبتاً نوظهور در ایران، به بررسی برخی مفاهیم می‌پردازیم.

نمایشگاه کیوریتورال و تفاوت‌ها: نمایشگاه کیوریتورال براساس یک ایده یا کانسپت مشخص شکل می‌گیرد. در حالی که نمایشگاه‌های دیگر ممکن است بیشتر به ارائه آثار یک هنرمند یا یک سبک خاص بپردازند و کیوریتور به جای نمایش مجموعه‌ای تصادفی از آثار، هر اثر را بر اساس روایت و پیام نمایشگاه انتخاب می‌کند. در یک نمایشگاه کیوریتورال، چیدمان و ارتباط میان آثار دارای اهمیت زیادی است، در حالی که نمایشگاه‌های معمولی بیشتر به ارائه مستقل هر اثر توجه دارند. در نمایشگاه‌های سنتی، گالری‌دار یا خود هنرمند آثار را انتخاب و نمایش می‌دهد، اما در یک نمایشگاه کیوریتورال، کیوریتور نقشی کلیدی در شکل‌دهی به محتوا، فضا و تجربه مخاطب دارد. همچنین نمایشگاه‌های کیوریتورال معمولاً همراه با مقالات، بیانیه‌ها، نشست‌ها و گفت‌وگوهای نظری برگزار می‌شوند که به عمق فکری و تحلیلی آن می‌افزاید.

آموزش کیوریتوری: در دنیای غرب، مؤسسات آموزشی متعددی وجود دارند که به‌طور تخصصی در زمینه کیوریتوری آموزش می‌دهند. این مؤسسات از دانشگاه‌های معتبر گرفته تا مدارس تخصصی هنر، برنامه‌های آموزشی در سطوح مختلف ارائه می‌دهند. مفهوم کیوریتوری به شکل حرفه‌ای از قرن ۱۹ در موزه‌های اروپایی مطرح شد، اما آموزش آکادمیک آن از نیمه دوم قرن ۲۰ به بعد شکل جدی‌تری به خود گرفت. در دهه ۱۹۶۰، هم‌زمان با رشد هنر معاصر و نمایشگاه‌های تجربی، نیاز به کیوریتورهای متخصص بیشتر شد. از دهه ۱۹۹۰، دانشگاه‌های معروفی همچون رویال کالج لندن و دانشگاه گلد اسمیتس تخصصی هنر، برنامه‌های آموزشی در سطوح مختلف ارائه می‌دهند. مفهوم کیوریتوری به شکل حرفه‌ای از قرن ۱۹ در موزه‌های اروپایی مطرح شد، اما آموزش آکادمیک آن از نیمه دوم قرن ۲۰ به بعد شکل جدی‌تری به خود گرفت. در دهه ۱۹۶۰، هم‌زمان با رشد هنر معاصر و نمایشگاه‌های تجربی، نیاز به کیوریتورهای متخصص بیشتر شد. از دهه ۱۹۹۰، دانشگاه‌های معروفی همچون رویال کالج لندن و دانشگاه گلد اسمیتس تخصصی هنر، برنامه‌های آموزشی در سطوح مختلف ارائه می‌دهند. مفهوم کیوریتوری به شکل حرفه‌ای از قرن ۱۹ در موزه‌های اروپایی مطرح شد، اما آموزش آکادمیک آن از نیمه دوم قرن ۲۰ به بعد شکل جدی‌تری به خود گرفته‌اند.

نمایشگاه‌گردانی ایرانی و چالش‌ها: کیوریتوری (curating) در هنر معاصر ایران اما مفهومی نسبتاً نوظهور است که در سال‌های اخیر با گسترش هنر معاصر، بی‌پایا‌ها و نمایشگاه‌های مفهومی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در دوران پیش از انقلاب، کیوریتوری به معنای امروزی چندان رایج نبود و بیشتر به نمایش آثار هنری در موزه‌ها و گالری‌های آکادمیک تمرکز داشت. پس از انقلاب، با تخصص‌های فرهنگی و اقتصادی، نمایشگاه‌های هنری بیشتر به صورت سنتی برگزار می‌شدند. اما از دهه ۱۳۸۰ به بعد، با گسترش تعاملات بین‌المللی، ورود هنرمندان به عرصه هنر مفهومی و رشد پلتفرم‌های مستقل هنری، کیوریتورهای ایرانی نیز بیشتر فعال شدند. این پدیده در ایران با چالش‌های مختلفی روبه‌رو است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف- نبود آموزش آکادمیک مناسب
ب- محدودیت‌های فرهنگی و سانسور
د- کمبود حمایت مالی و فضا‌های مستقل
ر- نبود زیرساخت‌های حرفه‌ای

بالین‌حال در ایران کیوریتوری به‌عنوان یک حرفه مستقل در حال رشد است، اما هنوز با چالش‌هایی جدی روبه‌رو است که نیازمند حمایت، آموزش و زیرساخت‌های بهتر است. ضعف در برنامه‌ریزی کیوریتورال، عدم هماهنگی بین آثار و نبود رویکرد پژوهشی و مفهومی در برگزاری نمایشگاه‌ها از جمله عواملی هستند که می‌توانند به کیفیت پایین نمایشگاه‌های کیوریتورال در ایران منجر شوند. ازجمله نمایشگاه‌های خوب می‌توان به نمایشگاه کیوریتورال آثار فریده لاشایی به نام «در جست‌وجوی گمشده» در موزه هنرهای معاصر تهران در سال ۱۳۹۴ اشاره

از نمایشگاه‌گردانی تا حرفه‌ای شدن در دنیای هنر معاصر

کیوریتوری در ایران

امین شاهد

پژوهشگر و منتقد هنر

کرد که با همکاری دو کیوریتور ایرانی و ایتالیایی برگزار شد. در این نمایشگاه، ۱۳۰ اثر از فریده لاشایی در زمینه‌های نقاشی، شیشه، طراحی و ویدئوآرت به نمایش درآمدند. همچنین ۴۰ اثر از گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران در کنار آثار لاشایی به نمایش درآمدند که با همکاری موزه هنرهای معاصر تهران، بانک گردشگری و بنیاد فریده لاشایی برگزار شد و فرصتی بود تا مخاطبان با جنبه‌های مختلف هنر و زندگی فریده لاشایی آشنا شوند و تأثیر او بر هنر معاصر ایران را درک کنند. به‌عنوان مثال می‌توان از نمونه نمایشگاه‌های دیگری نیز یاد کرد:

- پروژه‌های «نان و نمک» (از سال ۱۳۸۷): این پروژه توسط طرلان رفیعی و یاشار صمیمی مقخم، هنرمند-کیوریتورهای ایرانی راه‌اندازی شد. آنها با گردآوری بیش از صد اثر هنری از دوره‌های مختلف، مجموعه‌ای به نام «بی اداس» را ایجاد کردند که شامل آثاری از هنر مدرن و معاصر و همچنین عکس‌ها و نکاتیوهایی از تاریخ معاصر ایران است.

- نمایشگاه «کارنامه؛ مروری بر فرهنگ دیداری کودکان ایران» (تابستان ۱۳۹۵): این نمایشگاه در موزه هنرهای معاصر تهران با همکاری یاشار صمیمی مقخم، علی بختیاری و پیمان پورحسین برگزار شد. تمرکز این نمایشگاه بر فرهنگ بصری کودکان ایران بود و به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های کیوریتورال و آرشویی این هنرمندان محسوب می‌شود.

- نمایشگاه‌های گالری ساربان (از سال ۱۳۹۶): گالری ساربان با مدیریت سجاد باغبان و همکاری زروان روح‌بخشان، نمایشگاه‌های خود را به‌صورت کیوریتورال برگزار می‌کرد. این گالری با تمرکز بر هنرمندان نسل میانه و برگزاری نمایشگاه‌های گروهی و انفرادی با حضور کیوریتورها، سعی در ارائه پروژه‌های مفهومی و پژوهشی داشت.

- چهارمین سالانه هنر معاصر «پرسبوک» با عنوان «خوب‌ستران‌چراغی» (سال ۱۳۹۷): این نمایشگاه با رویکرد کیوریتورال و با انتخاب و ارائه آثار توسط کیوریتورها برگزار شد و در دوره سعی در حفظ این روند داشته است.

کیوریتور ایرانی: از کیوریتورهای موفق ایرانی می‌توان به مراد منتظمی، فرشته دفتری و الهام پوریامهر اشاره کرد که اگرچه در ایران سکونت ندارند، اما می‌شود با دعوت از آنها و مشاورت و راهنمایی، راهکارهای درستی در آموزش این حوزه اتخاذ کرد. **مراد منتظمی:** کیوریتور، ناشر و پژوهشگر تاریخ هنر، با تمرکز بر هنر مدرن و معاصر خاورمیانه، به‌ویژه ایران، فعالیت‌های گسترده‌ای در عرصه بین‌المللی داشته و در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ به‌عنوان کیوریتور در مؤسسه هنرهای معاصر میمپید در پاریس فعالیت کرده و در پروژه‌های متعددی در زمینه هنر معاصر مشارکت داشته است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین پروژه‌ها و دستاوردهای او اشاره می‌کنیم:

- همکاری با موزه هنرهای مدرن پاریس: منتظمی در سال ۲۰۱۴، به همراه کاترین داوید، نمایشگاهی با عنوان «تاریخ ناپویراسته» را در موزه هنرهای مدرن پاریس برگزار کرد. این پروژه‌آموزش در مرور چهار دهه هنر ایران پرداخت و آثار هنرمندان برجسته ایرانی را به نمایش گذاشت.

- نمایشگاه «۶۰ قطعه از یک جسم گمشده»: در سال ۲۰۱۵، منتظمی کیوریتوری نمایشگاهی با عنوان «۶۰ قطعه از یک جسم گمشده» را در گالری آبان‌اتر تهران بر عهده داشت. این نمایشگاه به آثار بهمن محمصی، هنرمند برجسته ایرانی، اختصاص داشت و تلاش می‌کرد با گردآوری آثار پراکنده او، تصویری جامع از کارنامه هنری‌اش ارائه دهد.

- پروژه «هاتولوژی پاساشری»: در سال ۲۰۲۰، منتظمی به همراه آرش حنایی، هنرمند ایرانی، پروژه‌ای با عنوان «هاتولوژی پاساشری» را ارائه دادند. این پروژه در مسابقه «بی‌ام‌بلیو آرت‌میکرز» برنده شد و به بررسی مفاهیم مرتبط با شهرنشینی و فضا‌های شهری در هنر معاصر پرداخت.



- کیوریتوری نمایشگاه لطیف العانی: منتظمی در سال ۲۰۲۲، نمایشگاهی از آثار لطیف العانی، عکاس برجسته عراقی را در بنیاد فرجام دویی برگزار کرد. این نمایشگاه که تا فوریه ۲۰۲۴ ادامه داشت، به مرور زندگی و آثار العانی، معروف به «پدر عکاسی عراق»، پرداخت و تصویری از دوران طلایی عراق در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ را به نمایش گذاشت.

مراد منتظمی با این فعالیت‌ها و پروژه‌های متنوع، نقش مهمی در معرفی و ترویج هنر معاصر خاورمیانه در سطح جهانی ایفا کرده است.

فرشته دفتری: یکی از کیوریتورهای برجسته ایرانی است که به تمرکز بر هنر مدرن و معاصر ایران، نقش مهمی در معرفی و ترویج این هنر در سطح بین‌المللی ایفا کرده است. دفتری تحصیلات خود را در حوزه تاریخ هنر به پایان رسانده و در موزه هنر مدرن نیویورک (MoMA) به‌عنوان کارآموز فعالیت داشته است. این تجربه به او امکان داد تا با هنرمندان و کیوریتورهای برجسته‌ای مانند دونا استاین همکاری کند و در پروژه‌های مهمی مشارکت کند.

از جمله نمایشگاه‌های مهمی که دفتری کیوریتوری آنها را بر عهده داشته، می‌توان به «ایران مدرن» اشاره کرد که در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۴ در انجمن آسیا در نیویورک برگزار شد. او این نمایشگاه را به همراه لایلا سو‌آور دنیا کوریت کرد و کتابی با همین عنوان به نام «ایران: هنر مدرن و معاصر» منتشر کرد.

دفتری در کتاب «Persia Reframed: Modern and Contemporary Art» به بررسی هنر مدرن و معاصر ایران پرداخته است. او در این کتاب، هنر ایرانی را به‌عنوان فضایی دموکراتیک معرفی می‌کند که در آن کثرت‌گرایی سبک‌ها و ایده‌ها می‌تواند شکوفا شود. همچنین او به چالش‌های معرفی هنر ایرانی به مخاطبان غربی و نحوه اجتناب از موضوعات بحث‌برانگیز در این فرایند می‌پردازد.

فرشته دفتری با تجربه به‌عنوان کیوریتور بین‌المللی، نمایندگی‌های هنرمندان ایرانی در خارج از کشور را مرور کرده و زوایای مختلفی از آنها که این هنر را به مخاطبان غربی معرفی کرده، مورد بحث قرار داده است. او توضیح می‌دهد که چگونه در این فرایند از موضوعات بحث‌برانگیز دوری کرده، رسانه‌های معاصر را ارزشمند کرده و رابطه پیچیده بین فرد و اما سیاسی را بررسی کرده است. فرشته دفتری با فعالیت‌های کیوریتوری، پژوهشی و نویسندگی خود تأثیر بسزایی در شناساندن و ترویج هنر مدرن و معاصر ایران در سطح جهانی داشته است.

الهام پوریامهر: یکی دیگر از کیوریتورهای برجسته ایرانی است که با تمرکز بر آموزش و پژوهش در حوزه کیوریتورال، نقش مهمی در توسعه و ترویج این حوزه در ایران ایفا کرده است. پوریامهر با برگزاری دوره‌های آموزشی متعدد، به تربیت نسل جدیدی از کیوریتورها پرداخته است. ازجمله این دوره‌ها می‌توان به «تاریخ و تئوری کیوریتورال» اشاره کرد که با هدف شناختن بیشتر کیوریتورال در رابطه با تولید دانش، درک مفاهیم جدید، نقد و ارائه هنر و همکاری‌های گروهی برگزار شده است. همچنین، او دوره «پروپوزال‌نویسی برای کیوریتورها» را تدریس کرده است که در چهار جلسه دوساعته، به آموزش مهارت‌های لازم برای نگارش پروپوزال‌های کیوریتورال می‌پردازد.

پوریامهر در پروژه‌های کیوریتوری متعددی مشارکت داشته است. یکی از این پروژه‌ها، «من اینجا هستیم» نام دارد که با همکاری مهدیار جمشیدی در سیزدهمین رویداد هنر معاصر پرسبوک ارائه شد. این پروژه به تمرین برای مرکززدایی و بررسی مفاهیم مرتبط با مرکز و حاشیه در هنر معاصر می‌پردازد.

الهام پوریامهر با مشارکت در گفت‌وگوها و مصاحبه‌های تخصصی، به تبیین جایگاه کیوریتوری در ایران کمک کرده است. او در مصاحبه‌ای با سایت تندیس، به بررسی وضعیت کیوریتوری در ایران پرداخته و چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این حوزه را مورد بحث قرار داده است. او با تمرکز بر آموزش، پژوهش و برگزاری پروژه‌های کیوریتوری، تأثیر بسزایی در پیشرفت و شناساندن هنر معاصر و کیوریتوری در ایران داشته است.

نگارخانه

تشییع پیکر «آروین»

از مقابل خانه هنرمندان ایران



جزئیات خاکسپاری «آروین» اعلام شد. تشییع پیکر داود احمدی‌مونس (آروین) از مقابل خانه هنرمندان ایران انجام می‌شود. مراسم تشییع پیکر داود احمدی‌مونس (آروین)، هنرمند کارتون‌سنت، ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۳ از مقابل خانه هنرمندان ایران برگزار خواهد شد. پس از این مراسم، پیکر این هنرمند به سمت بهشت زهرای تهران بدرقه و در قطعه هنرمندان (قطعه ۸۸، ردیف ۱۵۵، شماره ۳۵) به خاک سپرده خواهد شد.

هادی حیدری، روزنامه‌نگار و کارتون‌سنت، با انتشار پستی در صفحه شخصی خود در فضای مجازی خبر درگذشت «آروین» را اعلام کرد. داود احمدی‌مونس از هفته سوم بهمن‌ماه به دلیل نارسانایی حاد کبدی در بیمارستان شریعتی تهران بستری بود و در نهایت شنبه ۱۱ اسفندماه در ۴۱سالگی در فانی را وداع گفت.

داود احمدی‌مونس با نام هنری آروین، کاریکاتوریست، کارتون‌سنت، مطبوعاتی، گرافیک‌دیزاینر و طراح ایرانی بود. آروین از ۱۳سالگی طراحی کارتون را آغاز و یک سال بعد با خانه روزنامه‌نگاران و جوان هفت‌نامه «طنزپارسی» شروع به کار کرد. پس از آن در روزنامه «زن» به عنوان کارتون‌سنت ادیتورِیال خود را مطرح کرد. علاوه بر طراحی کارتون، او به نوع طراحی گرافیک مطبوعاتی و تبلیغاتی نیز پرداخت. او همچنین تصویرسازی بی‌زای کودکان را تجربه کرد. تاکنون صد‌ها کارتون و تصویرسازی از او در مطبوعات به چاپ رسیده است. احمدی‌مونس همچنین طراحی لوگوی فیلم «لامینور» (ساخته داریوش مهرجویی) را عهده‌دار بوده است.

«داود احمدی‌مونس»، کارتون‌سنت شناخته‌شده با امضای «آروین»، سال گذشته بعد از هفت سال از آخرین نمایشگاه انفرادی خود، آثارش را به نمایش گذاشت. آخرین نمایشگاه این هنرمند با عنوان «اسفند به جانی دب» هم‌زمان با ۴۰سالگی‌اش برپا شد و او آثار انتخابی را از بین آثار سال‌های گذشته و شب‌های طراحی‌اش انتخاب کرد و در برابر دیدگان عموم گذاشت. آثاری که پیش‌تر به نمایش درنیاامه بودند و برای اولین بار از این کارتون‌سنت مطبوعاتی با عنوان آثار «ژورنالیستی» در فضای زیرپله در مجموعه نشر ثالث به نمایش درآمد. هادی حیدری در صفحه اینستاگرام خود در واکنش به فوت آروین نوشت: «این خبر در واپسین روزهای سال ۱۴۰۳ تلخی‌های اسمسال را صدچندان کرد و حادثه‌ای که نمی‌خواستم هرگز باورش کنم، رخ داد. او از هفته سوم بهمن‌ماه به دلیل نارسانیی حاد کبدی در بیمارستان شریعتی تهران بستری بود». او ادامه داد: «داود احمدی‌مونس با نام هنری آروین را از زمانی که ۱۴ساله بود، می‌شناختم. آن روزها ۲۰ سالم بود و هم‌زمان با گل‌آقا در خانه روزنامه‌نگاران جوان فعالیت می‌کردم. داود نوجوانی ترکه‌ای بود که نشریه‌ای تجربی به نام آروین کاریکاتور منتشر می‌کرد. از همان زمان عشق و اشتیاق عجیبش به کاریکاتور را احساس می‌کردم. بعدها در روزهایی که پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ به بهار مطبوعات مشهور شد، در روزنامه‌ها و مجلات مختلف با یکدیگر همکاری شدیم. فعالیت کردیم، خاطره ساختیم و این دوستی و همراهی‌تا امروز ادامه یافت». حیدری نوشت: «آروین به باور من استعداد ویژه‌ای در کارتون و طنز داشت. یک جور شیدایی در وجودش موج می‌زد. به معنایی دیگر دیوانه بود و بیش‌خودم او را بهلول کاریکاتوریست‌های ایرانی لقب داده بودم. بسیار پیکر بود و مشتاق تا آنجا که در سال ۱۳۷۹ زمانی که تنها ۱۷ سال داشت کتاب قابل توجهی با نام کتاب «فصل کاریکاتور» توسط انتشارات معتبر روزنه منتشر کرد. قرار بود کتابی دنباله‌دار باشد که هرگز چنین نشد.»